

چگونه جنگ علیه ایران درس تاریخی به آمریکا داد؟

اعتبار از دست رفته

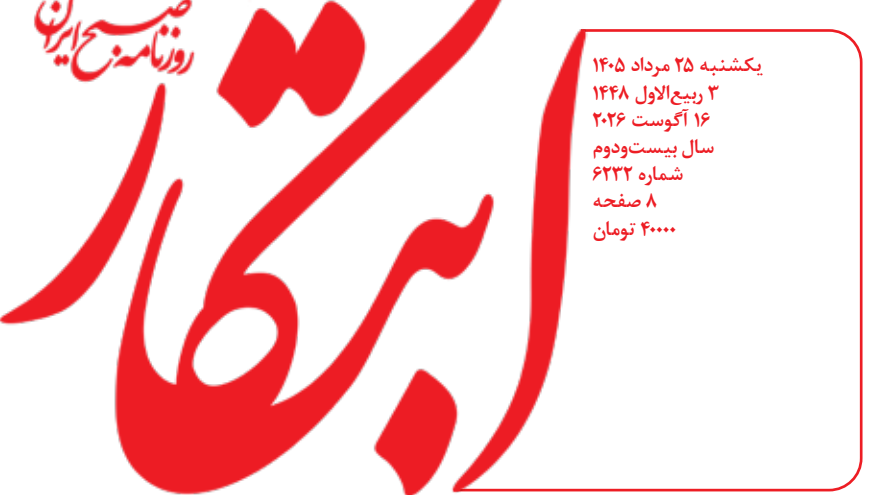
صفحه ۲



جنگ آمریکا علیه ایران چگونه محیط زیست جنوب ایران تحت تأثیر قرار داد؟

تجاوز به زیست بوم خلیج فارس

همین صفحه



آثار و تبعات محاصره دریایی ترامپ بر اقتصاد ایران

نگرانی از شوک تورم

یک کارشناس اقتصادی گفت: اگر این محاصره دریایی اجرا شود، این ۷۰ درصد تجارت ایران با دنیا که شامل هم صادرات و هم واردات است، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اگر بخواهیم این حجم از مبادلات را به مسیرهای ریلی یا حمل‌ونقل زمینی منتقل کنیم، طبق گفته کارشناسان، هزینه تجارت ما تا ۴ برابر می‌تواند افزایش پیدا کند.

با جدی‌تر شدن سناریوهای مربوط به فشار حداکثری و احتمال محاصره اقتصادی و دریایی، ابهامات درباره آینده تجارت خارجی و تورم در کشور افزایش یافته است. روز گذشته دونالد ترامپ در گفت‌وگو با شبکه نیوز مکس مدعی شد: «در هفته آینده منتظر اعلام خبرهای بیشتری درباره ایران باشید، زیرا ما اقداماتی را اعمال خواهیم کرد که در تاریخ انزوای اقتصادی یک کشور تاکنون سابقه نداشته است.» از همین رو درباره تبعات اقتصادی این محاصره دریایی با کامران ندری، کارشناس مسائل اقتصادی، گفت‌وگو کردیم.

کامران ندری درباره امکان‌پذیری اجرای محاصره دریایی اظهار داشت: «در رابطه با اینکه این محاصره دریایی در عمل چقدر می‌تواند اجرا شود و جلوگیری از رفت‌وآمد کشتی‌هایی که مقصدشان ایران است یا مبدأ حرکتشان ایران است صورت گیرد، خیلی نمی‌توان اظهارنظر کرد. این موضوع را باید کسانی که در میدان کار می‌کنند و ناظرگر هستند بررسی کنند که آیا اصلاً چنین محاصره دریایی به صورت کامل امکان‌پذیر است یا خیر.» این کارشناس اقتصادی با فرض تحقق سناریو محاصره دریایی کامل به تشریح ابعاد آن پرداخت و گفت: «با فرض اینکه این محاصره دریایی امکان‌پذیر باشد و بتوانند جلوی رفت‌وآمد کشتی‌ها را بگیرند، باید توجه داشت که تقریباً ۷۰ درصد تجارت ما از طریق دریا انجام می‌شود. دلیل آن هم این است که تجارت دریایی بسیار ارزان‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر است.»

وی افزود: «طبیعتاً اگر این محاصره دریایی اجرا شود، این ۷۰ درصد تجارت ایران با دنیا که شامل هم صادرات و هم واردات است، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

شرح در صفحه ۶



پیادرموها در قُرق دستفروش‌ها است

فروشنده‌ها و خریداران در باتلاق تورم!

صفحه ۲



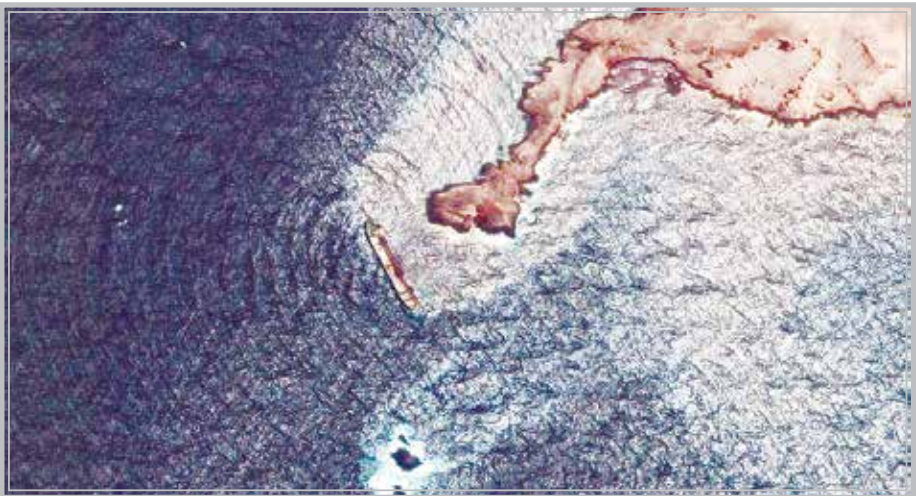
جنگ ایران را با کمبود بنزین مواجه کرده است

سه سناریوی نهایی بنزین روی میز دولت

صفحه ۶

جنگ آمریکا علیه ایران چگونه محیط زیست جنوب ایران تحت تأثیر قرار داد؟

تجاوز به زیست بوم خلیج فارس



خارجه نیز با اشاره‌ای صریح به همین خسارات زیستمحیطی، چارچوب حقوقی و حاکمیتی مسئله را مورد توجه قرار داد و نوشت: «این قبیل خسارات وارده بر محیط زیست سواحل ایرانی خلیج فارس، ضرورت تعریف و اعمال سازوکار مدیریت تنگه هرمز توسط ایران به عنوان کشور ساحلی را بیش از پیش، برجسته می‌کند.» این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که از منظر تهران، آسیب‌های زیستمحیطی ناشی از تجاوزات نظامی آمریکا، تردد ناوگان‌های آسیب‌دیده یا تحریم‌شده (مانند نفتکش کارولین بزرگی) و بهره‌برداری اقتصادی تصدیان بین‌المللی از انرژی منطقه، دیگر یک «پیامد جانبی و بی‌پاسخ» تلقی نمی‌شود. از منظر حقوق بین‌الملل، جریان این خسارات نه یک توصیه اخلاقی، بلکه طبق اصول مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و رویه‌هایی نظیر کمیسیون غرامت سازمان ملل (UNCC)، الزامی حقوقی برای متجاوزان، متضمن اصلی تجارت در تنگه هرمز است؛ مبنایی که زمینه را برای گنجاندن پندهای الزام‌آور زیستمحیطی در مدیریت آتی این آبراهه استراتژیک فراهم می‌سازد.

چه کسی مسئول جبران خسارات‌های زیستمحیطی است؟

طبق اصول مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها هرگونه «عمل» بردست بین‌المللی»؛ به‌ویژه توسل غیرقانونی به زور و تجاوز نظامی (نقض ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد)، متضمن «مسئولیت بین‌المللی مطلق» برای دولت‌های متجاوز (آمریکا و اسرائیل) است. این مسئولیت شامل الزام به جبران کامل خسارت اعم از اعاده وضع به حال سابق (Restitution) یا پرداخت غرامت (Compensation) برای تمام آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم، از جمله تخریب محیط‌زیست و بین‌المللی دولت‌ها و رویه‌هایی نظیر کمیسیون غرامت سازمان ملل (UNCC)، الزامی حقوقی برای متجاوزان، متضمن اصلی تجارت در تنگه هرمز است؛ مبنایی که زمینه را برای گنجاندن پندهای الزام‌آور زیستمحیطی در مدیریت آتی این آبراهه استراتژیک فراهم می‌سازد.

موظف به جبران خسارات چه از طریق بازگرداندن به حالت

ادامه از همین صفحه

از سوی دیگر، جوانان نباید صرفاً به عنوان آینده کشور دیده شوند. جوانان، بخش مهمی از نیروی حل مسئله امروز کشورند. اگر قرار باشد هر نسلی سال‌ها پشت درهای مدیریت و تصمیم‌گیری منتظر بماند تا نوبت او برسد، بخش بزرگی از ظرفیت انسانی جامعه از بین خواهد رفت. تجربه کشورهای موفق نیز نشان می‌دهد که انتقال تدریجی مسئولیت، میدان دادن به نیروهای تازه‌نفس و پیوند دادن تجربه نسل‌های مختلف، یکی از الزامات توسعه پایدار است.

البته جوان‌گرایی به معنای کنار گذاشتن تجربه نیست. کادرسازی موفق زمانی اتفاق می‌افتد که «تجربه» و تخصص، انرژی جوانی و پختگی مدیریتی در کنار یکدیگر قرار گیرند. کشور نه به حذف نسل‌های پیشین نیاز دارد و نه به تکرار بی‌پایان چهره‌های قدیمی؛ بلکه به سازوکاری نیازمند است که در آن تجربه به نسل جدید منتقل شود و در مقابل، نیروهای جوان نیز بتوانند دانش، فناوری و نگاه‌های تازه خود را وارد ساختارهای تصمیم‌گیری کنند.

در این میان، یک مسئله اساسی دیگر نیز وجود دارد: کادرسازی بدون کار جمعی و انسجام فکری و سازمانی، نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت. نیروهای متخصص اگر نتوانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند، ظرفیت فردی آنها به سرمایه‌ای اجتماعی تبدیل نمی‌شود. یکی از مشکلات مهم جوامع امروز، پراکندگی استعدادها و ناتوانی در تبدیل توانایی‌های فردی به قدرت حل مسئله جمعی است. بنابراین، باید به جوانان آموخت که موفقیت فقط در درخشش فردی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه توانایی گفت‌وگو، همکاری، تحمل اختلاف نظر و ساختن یک هدف مشترک نیز بخشی از شایستگی حرفه‌ای و اجتماعی است.

کادرسازی همچنین باید از انحصار خارج شود. اگر قرار باشد تنها گروهی محدود، بر اساس روابط، سابقه یا وابستگی‌های خاص، امکان رشد و مسئولیت‌پذیری داشته باشند، استعدادهای فراوانی از چرخه توسعه کشور کنار گذاشته خواهند شد. معیار اصلی باید شایستگی باشد؛ دانش، تجربه، پاکدستی، توانایی مدیریت و مهم‌تر از همه، کارنامه قابل سنجش.

اقتصاد ایران نیز برای عبور از مشکلات خود به همین سرمایه انسانی نیاز دارد. اصلاح نظام اداری، افزایش بهره‌وری، توسعه تولید، مقابله با فساد، استفاده درست از فناوری، ایجاد اشتغال و حل مسائل اجتماعی، همگی به مدیران و کارشناسانی نیاز دارند که بتوانند میان نظریه و عمل پل بزنند. هیچ سیاست اقتصادی بدون انسان‌های توانمند برای اجرای آن، از روی کاغذ فراتر نخواهد رفت.

از همین رو، کادرسازی را باید یک پروژه بلندمدت ملی دانست، نه یک برنامه کوتاه‌مدت سازمانی یا سیاسی. دانشگاه، مدرسه، رسانه، احزاب، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی، هر کدام می‌توانند بخشی از این فرآیند را بر عهده بگیرند. باید فرصت آزمون، خطا، یادگیری و مسئولیت‌پذیری برای نسل جدید فراهم شود؛ زیرا هیچ مدیری صرفاً با نشستن در کلاس یا خواندن چند کتاب، مدیر نمی‌شود. مدیریت، محصول آموزش، تجربه، مسئولیت و مواجهه واقعی با مسئله است.

امروز شاید مهم‌ترین پرسش این نباشد که چه کسی قرار است فردا مسئولیت یک سازمان یا نهاد را بر عهده بگیرد؛ پرسش مهم‌تر این است که آیا برای فردا، نیروی انسانی شایسته‌ای تربیت کرده‌ایم که بتواند کشور را در شرایط پیچیده‌تر از امروز اداره کند؟

اگر پاسخ به این پرسش برای ما مهم است، باید کادرسازی را از حاشیه به متن بیاوریم. باید به جوان متخصص اعتماد کنیم، امکان رشد او را فراهم کنیم، تجربه را در اختیارش بگذاریم و در عین حال او را به کار جمعی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی عادت دهیم.

ایران برای عبور از مشکلات خود، بیش از هر چیز به سرمایه انسانی نیاز دارد؛ سرمایه‌ای که نه با منابع طبیعی تمام می‌شود و نه با تحولات فناوری ارزش خود را از دست می‌دهد. ساختن این سرمایه، همان کادرسازی است؛ و کادرسازی، شاید یکی از مهم‌ترین کارهایی باشد که امروز برای فردای ایران می‌توان انجام داد.

بازار سرمایه در دوراهی رکود یا اصلاح

بورس ترمز کرد

صفحه ۶



سعید پای بند

سرمقاله



کادرسازی؛ ضرورت امروز، سرمایه فردای ایران

ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به نیرو نیاز دارد؛ نه صرفاً نیروی انسانی فشر، بلکه نیروهایی جوان، متخصص، کارآمد، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از توانایی کار جمعی. شرایط پیچیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور نشان می‌دهد که عبور از مشکلات موجود تنها با تصمیم‌های مقطعی و راه‌حل‌های کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. آنچه بیش از هر چیز ضرورت دارد، ساختن نسلی از مدیران، کارشناسان و کشتگران توانمند است که بتوانند مسائل کشور را دقیق بشناسند و برای آنها راه‌حل‌های واقع‌بینانه و مبتنی بر دانش ارائه کنند.

این همان چیزی است که از آن با عنوان «کادرسازی» یاد می‌شود؛ مفهومی که نباید آن را صرفاً به تربیت مدیر برای یک سازمان یا جریان سیاسی تقلیل داد. کادرسازی در معنای گسترده‌تر، یعنی پرورش انسان‌هایی که دانش، تجربه، اخلاق حرفه‌ای، قدرت تحلیل و توانایی تصمیم‌گیری داشته باشند و بتوانند در بزرگه‌های دشوار، مسئولیت بر عهده بگیرند.

امروز فناوری با سرعتی کم‌سابقه در حال تغییر جهان است. هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی، داده‌های بزرگ و فناوری‌های نوین، قواعد بسیاری از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی را دگرگون کرده‌اند. در چنین شرایطی، نمی‌توان با الگوهای مدیریتی و ذهنیت‌های متعلق به چند دهه قبل، مسائل پیچیده امروز را حل کرد. کشور برای رقابت در جهان جدید، به نسلی نیاز دارد که هم زبان دانش و فناوری را بداند و هم مسائل واقعی جامعه خود را بشناسد.

ادامه در همین صفحه

برآورد می‌شود بیش از ۱۵۰۰ شناور و نفتکش تجاری در پهله‌های آب‌های خلیج فارس و دریای عمان مجبور به توقف، توقف‌های طولانی‌مدت یا کاهش شدید سرعت شده‌اند. در نگاه نخست، لکه‌های نفتی و انهدام شناورها بارزترین تصاویر از تخریب زیست‌بوم منطقه هستند، اما دانشمندان و بوم‌شناسان دریایی نسبت به یک «تهدید پنهان و زیست‌امینتی» بسیار خطرناک‌تر هشدار می‌دهند: رهاسازی و پخش بی‌سابقه گونه‌های بیگانه و مهاجم دریایی.

کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها برای حفظ تعادل خود از «آب توازن» استفاده کرده و دیواره بدنه آن‌ها نیز متصل به خز، صدف و ارگانیسم‌های گوناگون دریایی است. زمانی که صدها شناور برای هفته‌ها در آب‌های گرم، کم‌عمق و بسته خلیج فارس در حالت سکون باقی می‌مانند، این منطقه به پلنفرمی ایدئال برای تکثیر و جهش این ارگانیسم‌ها تبدیل می‌شود.

ماربو تامبوری، بوم‌شناس دریایی و استاد مرکز علوم محیط‌زیست دانشگاه مرلند، به ای‌بی‌سی نیوز می‌گوید ابعاد این بحران را این‌گونه تحلیل می‌کند: «ما می‌دانیم که این ارگانیسم‌های مهاجم می‌توانند میلیون‌ها دلار خسارت وارد کنند، بر فعالیت‌های حیاتی تجاری مثل آبیروپوری و شیلات اثر مخرب بگذارند و شادوود محیط‌زیست را کلاً تغییر دهند... آنچه اکنون در تنگه هرمز رخ می‌دهد احتمالاً سناریوی بدترین حالت ممکن از منظر زیست‌امینتی است.» از درباریه مکانیسم این خطر می‌افزاید: «همه این ارگانیسم‌های دریایی در این سوپ گرم و غنی از مواد مغذی شروع به رشد، رهاسازی لارو و تکثیر انبوه می‌کنند... ارگانیسمی که بتواند دما و شوری بالای آب‌های خلیج فارس را در این وضعیت سکون تحمل کند، آن‌قدر قزدمند می‌شود که در ادامه، سقرهای طولانی‌مدت کنیتی‌ها به سایر نقاط جهان را هم تحمل کرده و در سراسر کره زمین پخش شود.» این وضعیت نه تنها زیست‌بوم بومی خلیج فارس را تهدید می‌کند، بلکه ماهی‌ها، حلج‌های سمی (کنگند سرخ) و نابودی آبزیان روبه‌رو می‌کند، بلکه تهدیدی مستقیم برای صنایع آب‌شیرین‌کن منطقه است که حیات میلیون‌ها ساکن حاشیه خلیج فارس به آن‌ها وابسته است.

آنچه امروز در پهنه آبی خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان می‌گذرد، از نشت تانکرهای آسیب‌دیده و ورود آلودگی‌های نفتی به زیست‌گاه‌های حساسی چون جنگل‌های حرا و سواحل قشم و عمان گرفته تا تکثیر گسترده گونه‌های مهاجم بر اثر توقف بی‌سابقه شناورها، تنها یک پیامد جانبی و زودگذر از درگیری‌های نظامی نیست. این آسیب‌های عمیق، متوجه اکوسیستمی بسته، کم‌عمق و شکننده است که حیات میلیون‌ها انسان و هزاران گونه منحصربه‌فرد دریایی به سلامت آن وابسته است. خلیج فارس دیگر توان تحمل تبدیل‌شدن به «قرنای خاموش» محاسبات نظامی و ژئوپلیتیک را ندارد. حجم بی‌سابقه آسیب‌های وارده‌شده، بیش از هر زمان دیگری ضرورت دو اقدام گریزناپذیر را گریزناپذیر می‌کند:

ایجاد یک صندوق بین‌المللی جبران خسارت زیست‌محیطی با وصول مستقیم غرامت از متجاوزان و دی‌نفعان اصلی تجارت دریایی جهت پاک‌سازی سواحل و احیای زیست‌بوم‌های آسیب‌دیده.

تعریف و اعمال یک سازوکار مدیریت و نظارت زیست‌امینتی حیاتی‌ترین ابراهه‌های جهان. ابعادی بسیار فراتر از شوک به بازارهای انرژی و اختلال در زنجیره تامین کالاهای تجاری دارد. تنگه هرمز که روزانه محل عبور بیش از ۲۷ درصد از کل خام نفت جهان و ۲۲ درصد از گاز طبیعی مایع‌شده (LNG) است، در پی افزایش تنش‌ها و ناامنی‌های اخیر، با فلج‌شدن بی‌سابقه‌ای در تردد ناوگان تجاری مواجه شده است.